

ایران

صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کامیل نکی‌پور

آذان ظهر ۱۲/۱۷ | آذان مغرب ۱۷/۴۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ | آذان صبح فردا ۵/۴۰ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۸

پیامبراکرم(ص):

محبوبترین بندگان در پیش خدا پرهیزگاران گنماند.

کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۵۳، ح ۵۹۲۹

نگاره حمید صوفی



برگزاری مراسم یادبود زنده‌یاد سید ابوالحسن مختاباد، آغاز پخش سریالی تازه برای علاقه‌مندان کارهای پلیسی – معمایی و همین‌طور انتشار روایت‌هایی درباره حاج قاسم سلیمانی در قالب کتابی خواندنی از جمله مطالبی هستند که درباره آنها در مجازی امروز می‌خوانید.

فضای مجازی

مراسم بزرگداشت روزنامه‌نگار فقید، زنده‌یاد سید ابوالحسن مختاباد روز سه‌شنبه یازدهم بهمن ماه برگزار می‌شود. در این مراسم که به همت انجمن موسیقی ایران و خانه موسیقی ایران از ساعت ۱۶ الی ۱۸ سه‌شنبه ۱۱ بهمن‌ماه در فرهنگسرای نیواوران برگزار می‌شود، دوستان و همکاران این روزنامه‌نگار درباره ویژگی‌های حرفه‌ای و اخلاقی او سخن خواهند گفت و با خانواده‌اش ابراز همدردی خواهند کرد. سیدابوالحسن مختاباد منتقد، پژوهشگر موسیقی و از روزنامه‌نگاران پیشکسوت و سرشناس حوزه تخصصی موسیقی، سوم بهمن ماه در سن ۵۲ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. سیدابوالحسن مختاباد (متولد ۲۲ دی ۱۳۴۸ در امهر) نویسنده، منتقد، پژوهشگر موسیقی و همچنین از روزنامه‌نگاران شناخته شده کشورمان بود.

آغاز سریالی تازه

علاقه‌مندان آثار سینمایی و تلویزیونی پلیسی می‌توانند سریال جدید «شهباز» به کارگردانی حمیدرضا لوفایی که پخش آن از شامگاه شنبه شروع شده را از شبکه پنج سیما دنبال کنند. «شهباز» به نویسندگی منبا خدیوی در ژانر پلیسی معمایی با موضوع فضای مجازی و پلیس سایبری در ۳۰ قسمت ۴۲ دقیقه‌ای تهیه و تولید شده که هرشب ساعت ۲۳ پخش می‌شود و تکرار آن نیز ساعت ۱۱ و۱۹ خواهد بود. این مجموعه تلویزیونی درباره یک گروه سایبری است که به‌دنبال هکری بین‌المللی هستند. پلیس سایبری با اشراف به این فضا با مجرمین برخورد می‌کند و به داستان مردمی هم که از آنها سوءاستفاده شده و مورد طعمه افراد خلافکار قرار گرفته‌اند، می‌پردازد.

مصاحبه خواندنی مورا کاسمی

نویسنده ژاپنی می‌گوید کتاب‌های خودش را هرگز نمی‌تواند بخواند؛ این نوشته‌ای به نقل از هاروکمی مورا کاسمی که ترجمه آثارش در دسترس علاقه‌مندان ایران نیز هست. مهر ترجمه‌ای از مصاحبه این داستان‌نویس سرشناس را با نیویورک تایمز به بهانه جدیدترین کتابش با عنوان «حرفه: رمان نویس» را منتشر کرده، او می‌گوید کتاب‌هایی که سعی می‌کند دست نگیرد و هرگز نمی‌خواهد بخواند، کتاب‌هایی هستند که خودش نوشته و منتشر کرده است؛ او در پاسخ به اینکه آیا رمان کلاسیکی هست که به تازگی و برای اولین بار خوانده باشد گفته: «چوان‌خام» داستایوفسکی. یک جلد شومیز آن را در کیفم دارم و دارم می‌خوانم. چندین اثر دیگر داستایوفسکی هم هست که هنوز نخوانده‌ام. بالزاک هم همین‌طور.» و البته تأکید کرده که در بین نویسندگان – رمان‌نویسان، نمایشنامه نویسان، منتقدان، روزنامه‌نگاران، شاعران بیش از همه «کارژوو ایشی گوروی» را تحسین می‌کند و به او علاقه زیادی دارد چراکه کتاب‌های جدیدش همیشه ارزش انتظار را دارند و او بسیار با شخصیت است.» اگر خواهان کسب اطلاعات بیشتری درباره مورا کاسمی هستید سری به ترجمه مهر از این گپ‌وگفت خواندنی بزنید.

کتابی تازه درباره حاج قاسم

کتاب «کلثا قاسم»؛ «خاطرات زندانیان بحرینی از ایام شهادت حاج قاسم با ترجمه نعیم شرافت و بازنویسی میرمحمدابراهیم یزدانی، با مشارکت بنیاد متکب حاج قاسم و از سوی انتشارات «راه یار» منتشر شد. حاج‌قاسم سلیمانی به‌عنوان سیدالشهدای مقاومت، با وقف زندگی خود در مسیر مقاومت، ثمرات و دستاوردهای عظیمی را برای مردم ایران و منطقه به ارمغان آورد. او پس از شهادت نیز با تشییع جنازه میلیونی خود در کشورهای ایران و عراق، پیام «مقاومت تا شهادت» را به گوش جهانیان رسانید. این کتاب، خاطرات مردانی هست که در سوگ شهیدی گریه می‌کنند که برخی از آنها تاکنون او را از نزدیک ندیده‌اند. مردی که فرماندهی دل‌ها را در دست داشت. این کتاب، روایت مظلومیت شیعه و استواری جوانان مقاومت در مقابل ظلم‌وستم حکومت‌های مستکبر جهان هست. مردانی در این کتاب برای شما خاطره می‌گویند که با هدف آزادی جنگیدند و هم‌اکنون در بند زندان‌های آل خلیفه هستند؛ اما همچنان استوار و امیدوار به گرفتن انتقام خون فرمانده خودشان مقاومت می‌کنند.

کسب تجربه مهم‌ترین لازمه نویسندگی است

راضیه‌تجار: خداوند متعال در وجود هر کسی ودیعه‌ای قرار داده است و به خاطر آن هر فردی در مسیر و شاخه‌ای درخشان خواهد بود که دیگران آن استعداد را ندارند. من از ابتدای زندگی حس می‌کردم واقعاً با واژگان دوستم، وقتی کلاس دوم ابتدایی بودم معلم، واژگانی برای جمله‌سازی مطرح می‌کرد که دست من برای پاسخگویی بالا بود درحالی که ریاضی بلد نبودم! با این حال معتمد کسب تجربه ضروری‌ترین قدم برای ورود به عرصه نویسندگی است. در کنار تجربه و استعداد موارد دیگری از جمله عشق، پشتکار و مطالعه هم لازمه کار است. هر چند باز هم تأکید می‌کنم کسب تجربه اولین اولویت است که باید از طریق مطالعه به دست آورد. خود من از همان ابتدای جوانی اگر مسابقاتی در مجلات بود، شرکت می‌کردم و برنده می‌شدم و هیچ‌گاه عجله‌ای برای شروع کار نداشتم.

بخشی از گفته‌های این نویسنده در ایستا

میدان، دیپلماسی، قلم

در سال‌های اخیر دوره هر مقام ارشدی که در امریکا تمام‌شده، حدود یک سال بعد کتاب خاطراتش منتشر شده است. باراک اوباما، جان کری، هیلاری کلینتون، وندی شرم‌ن و جان بوتنون شماری از معروف‌ترین افرادی هستند که کتاب‌شان به فارسی هم ترجمه شده و اتفاقاً به منبع ارجاع بسیاری از تحلیلگران هم تبدیل شده است. در مواردی حتی میان روایت‌ها تردید بوده و در نهایت همان روایتی نزد افکار عمومی پذیرفته شد که در همین کتاب‌های خاطرات آمده است. این بار هم نوبت مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق امریکاست.

نکته جالب درباره این گونه‌کتاب این است که اغلب به کتب پرفروش و به اصطلاح پشت وپیرینی بدل می‌شوند، گویی مخاطب عام با آن نه به‌عنوان کتابی سیاسی بلکه چون رمانی مهیج برخورد می‌کند. در واقع این کتاب‌ها، امر سیاسی را از پشت درهای بسته و راه‌روهای تو در تو با زبانی ساده به کنج خانه شهروندان می‌آورند. در مواردی شما می‌بینید شخصی که حتی اهل دنبال کردن اخبار سیاسی و ماجراهای دیپا ی سیاست نیست، کتاب خاطرات این مقامات را می‌خواند.

یک بار مایک پمپئو هنگام سخنرانی برای دانشجویان امریکایی گفت: «شعار [دانشگاه نظامی] «وست پوینت» [دانشگاه محل تحصیل پمپئو] چه بود؟ دروغ نگو، فریبکاری نکن، دزدی نکن و کسانی را که این کارها را می‌کنند، تحمل نکن. وقتی من رئیس سیا بودم، ما دروغ می‌گفتیم، فریبکاری می‌کردیم، دزدی می‌کردیم. ما برای این کارها یک دوره کامل آموزشی داشتیم.» حالا چنین فردی با سابقه اذعان به دروغگویی، کتاب خاطراتی به نام «هرگز کوتاه نیا» منتشر کرده است و حالا روایت‌های او درباره ماجراهای مختلف از جمله موارد

یادداشت



پژوهشگر روایت بین‌الملل

مثال‌های زیادی درباره این روایت‌هایی که با وجود تردیدهایی به روایت اصلی افکار عمومی بدل شده وجود دارد اما موضوع مهم این است: ما به روایت امریکایی‌ها اعتماد نداریم اما روایت جایگزینی هم نداریم! طبیعتاً بخشی از گفت‌وگوها و استناد تا مدت‌ها محرمانه باقی می‌ماند و برخی موارد هم به دلایل دیپلماتیک بهتر است مطرح نشود اما باز هم اگر مقامات پس از دوران کاری همت کنند، حتماً می‌توانند کتابی مرجع برای تحلیلگران و جذاب برای عموم مخاطبان بنویسند. جلب اعتماد شهروندان شاید با همین اقدامات ساده و کوچک آغاز شود؛ همین اقداماتی که شفافیت و احترام به افکار عمومی را برجسته می‌کند.

جنگ روایت‌هاست و در این جنگ، قلم ما بی‌دوات است. نه اینکه روایت و استدلالی نداریم اما میدان را خالی گذاشته‌ایم.

جوزانی با «بهشت تبهکاران» در جشنواره فیلم فجر

مسعود جعفری جوزانی، کارگردان شاخص آثار ملی سینما و تلویزیون که بازپخش مجموعه مانا، قوی و تماشایی او «در چشم باد» همچنان با استقبال مخاطبان روبه‌رواست و بعد از چند سال بیکاری و رکود تولید در سینما، این روزها با چراغ خاموش، تریلر سیاسی،اجتماعی و تاریخی «بهشت تبهکاران» را می‌سازد، سال‌ها قبل و هم‌زمان با تولید و نمایش فیلم سینمایی «شیرسنگی» و سریال «در چشم باد» و از آن‌سو، یورش بی‌محابای ایران‌ستیزان با فیلمک‌های هالیوودی و صهیونیستی، ضد فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌ها و تمامیت ایران، با نگارش فیلم‌نامه‌های خوش‌ساختار و با محتوای ملی و دینی کوروش کبیر و پوریای ولی، درصدد ساختن آثاری قدر که پاسخگوی همه‌های دشمنان کشور و ملت و ایران‌ستیزان باشد، برآمد و در این راه پرستن‌گلج، بای مذاکره با مسئولان و متولیان وقت سینما وتلویزیون و دیگر نهادها و سازمان‌های تربیت فرهنگی کشور نشست، اما او هر چه سرسختانه و با انگیزه جلو می‌رفت، به دلیل بی توجهی‌ها و عدم همکاری در این زمینه و بعد از چند سال دوندگی، ره به جایی نبرد و می‌پهری‌ها و بی‌حمایتی‌ها سبب شد تا کوروش کبیر و پوریای ولی، رنگ پرده سینما و قاب تلویزیون را نبینند و جوزانی به ناچار آن دو را تبدیل به دو کتاب با فیلمنامه کرد و منتشر نمود تا شاید روزگاری زمان با او یار شود و بتواند با ساختن کوروش و پوریای ولی در کنار دیگر بیست‌تازان و اهالی فرهنگ و هنر به جنگ ایران‌ستیزان برود. اگر مسئولان با این سینماگر خوشفکر و ارزشمند ملی همکاری و از ساختن فیلم و سریال ملی او پشتیبانی می‌کردند، ایران و فرهنگ و هنر امروز دست‌کم به دو اثر مهم و ممتاز ضدمباریالستی مجهز بود و در برابر دشمنان، حرف‌هایی قدر برای گفتن داشت. چند سال بعد جوزانی خستگی‌ناپذیر فیلمنامه جذاب «یعقوب لیث» را نوشت و کوشید این قهرمان بزرگ کشور را بر پرده سینما تصویر کند، متأسفانه این بار هم دست‌هایی او را از تولید آثار ملی و ایرانی بازداشتند و…

گرچه تاکنون کوروش کبیر، پوریای ولی، یعقوب لیث و… ساخته نشده و چشم انتظار نگاه مهربان و یاری مسئولان و مدیران متعهد فرهنگی‌اند ولی کتاب فیلمنامه‌های‌شان در بازار موجود است و آنقدر جذاب و تصویری نوشته شده‌اند که می‌شود افزون بر خواندن، آنها را تماشای هم کرد. آنچه بر جوزانی‌ها و دیگر هنرمندان رفت و رخدادهای ماه‌های اخیر و ضرورت تولید فیلم‌ها و سریال‌هایی که باید درباره انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، مقاومت و هزاران شهید و سرداران بزرگ آسمانی، سلیمانی، هم‌ت خرازی و… ساخته شوند و مدافع فرهنگی دستاوردهای انقلاب و جامعه و نمایانگر قدرت، عزت و عظمت ایران اسلامی باشند، ایجاب می‌کند که متولیان و مدیران متخصص و متعهد و متدین و وطن‌پرست و سینما و رسانه ملی با یاری هنرمندان، در این ارتباط طرحی نو دراندازند و حرف‌های تازه‌تر بزنند؛ بویژه که نسل‌های امیدوار و جست‌وجوگر نوجوان و جوان، به بازخوانی و بازنامایی تاریخ کشور و آگاهی از زندگی و مبارزات پهلوان و قهرمان‌های ایران بزرگ علاقه‌مند هستند.

فیلم‌روشنگرانه و جسورانه «بشت دیوارسکوت» آخرین ساخته سینمایی جوزانی است و او مانند بسیاری از سینماگران، در این سال‌ها امکان تولید اثر جدید را نیافت. تریلر تاریخی، سیاسی و اجتماعی «بهشت تبهکاران» ساخته تازه این سینماگر ملی است که در بخش رزرو چهل ویکمین جشنواره فیلم فجر قرار دارد و در صورت آماده شدن در این جشنواره حضور خواهد یافت. این فیلم روایتگر جذاب یک واقعه تاریخی در دوران پهلوی و داستان واقعی یک مبارز است که در دام رژیم سلطنتی و بی‌دادگله‌های حکومت ستمشاهی گرفتار آمده است. جوزانی «بهشت تبهکاران» را اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و در بطن تحلیل شرایط سیاسی واجتماعی زمان پهلوی و گونه تریلر، حماسی، مبارزاتی ومعمایی ساخته است. فیلم او تمام مؤلفه‌ها و ویژگی‌های یک اثر فاخر و درجه یک سینمایی را دارد و دارای فیلمنامه‌ای خوب، بازی‌های مقبول و کارگردانی قوی است و در صورت تکمیل روند تولید، در جشنواره امسال فجر خواهد درخشید. مسعود جعفری جوزانی با نگاه و برخورد سیاسی با هنر و سینما برای جشنواره فیلم فجر که ویترین سینمای کشور است، موافق نیست و باور دارد که با تمام نواقص و کاستی‌های سینما، باید چراغ سینما را روشن نگه داشت. او سال قبل و در جشنواره چهلم، در کسوت داور کوشید تا قضاوت‌ها و گزینش‌ها، حرفه‌ای و سینمایی باشد و امسال خود با «بهشت تبهکاران» در جشنواره در معرض قضاوت داوران، منتقدان، رسانه‌ها و مردم قرار دارد.

راهکارهایی برای اثرگذاری بیشتر جوایز

بخشی از جوایز حوزه کتاب و ادبیات، بیش از آنکه رویدادهایی اثرگذار در بازار کتاب و نزد مخاطبان باشند به امری تشریفاتی در عرصه فرهنگ تبدیل شده‌اند. البته درباره برخی از آنها می‌توان استثناهایی قائل شد اما صحبت من درباره اکثریت اینها و وضعیتی هست که طی سال‌ها شاهد بوده‌ایم. این مسأله حتی درباره رویدادهایی که به شکل سالانه و مستمر برگزار می‌شوند هم صادق است، متأسفانه حتی در اعلام نتایج برخی از اینها نیز گاهی بی‌توجهی‌هایی صورت می‌گیرد، آنچنان که در مواردی وقتی کتابی انتخاب شده و از آن به‌عنوان اثر برگزیده یا شایسته تقدیر نامگذاری شده فراموش کرده‌اند که نام ناشر اثر مذکور را در اختتامیه بگویند! بگذاردیم به‌عنوان یکی از اهالی کتاب و براساس تجربه شخصی‌ام پیشنه‌های برای متولیان برگزاری جوایز فرهنگی و هنری داشته باشم، اینکه اگر مسئولان خواهان اثرگذاری هرچه بیشتر نتایج داوری‌ها در بازار نشر هستند بهتر است که راهکارهایی برای حمایت از منتخبان داشته باشند. چرا فردای روز برگزاری اختتامیه جوایز حوزه کتاب و ادبیات همه چیز به پایان می‌رسد!

این در حالی است که می‌توان با خرید آثار منتخب در تیراژهای قابل توجه حمایت خوبی از آن کتاب انجام داد. وقتی کتاب‌های برگزیده در تیراژهای یکصد یا پنجاه هزار نسخه‌ای خریداری شوند شاهد شکل‌گیری حمایتی چندجانبه خواهیم بود؛ حمایتی که هم



عکس از تزیین ایستا

نویسنده یا مترجم اثر را شامل می‌شود و هم برای ناشر آن منبعت به‌دنبال دارد.

بی‌اغراق با چنین اقداماتی می‌توان کل زنجیره‌ای را که از تألیف و ترجمه اثر تا انتشار و عرضه آن درخیل هستند رونق بخشید. بخشی از حمایت هم متوجه مخاطبان می‌شود، آنچنان که می‌توان کتاب‌های خریداری شده دست‌به‌تجهیز مخازن کتابخانه‌های عمومی و همچنین کتابخانه مدارس یا دانشگاه‌ها زد و از این طریق در جهت تسهیل دسترسی به کتاب هم گام برداشت.

در این بین از نقش رسانه‌ها نیز نباید غافل شد، بی‌شک بخشی از اثرگذاری نتایج این جوایز و جشنواره‌ها در گروی چگونگی اطلاع‌رسانی و حتی کارهای تبلیغاتی است؛ حتی اگر بنا را بر این بگذاریم که کتاب‌های منتخب پتانسیل جذب مخاطب و پرفروش شدن را دارند مسأله اینجاست که تا درباره‌شان اطلاع‌رسانی نشود مردم حتی از وجودشان ناخبر نمی‌شوند! از طرفی درباره کتاب‌های منتخب باید جلسات نقد و بررسی برگزار شود تا خوانندگان بتوانند پی به این نکته ببرند که فلان اثر برگزیده در چه حیطه‌ای جای می‌گیرد و درباره چه موضوعی هست.

از سویی در این بین رسانه ملی هم می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. البته نه فقط با یک یا دو برنامه کوتاه معرفی کتاب! پخش برنامه‌های رسانه‌ای حتی از درجهی تلویزیون نیز وقتی اثرگذار خواهد بود که تدوام داشته باشد و سازندگان آنها در پی یک جریان‌سازی برای جلب نظر مخاطبان برآمده باشند؛ درغیر این صورت همان‌گونه که اشاره شد با یکی دو تلاش مختصر که نمی‌توان انتظار اثرگذاری‌های آنچنانی را داشت. سخن آخر اینکه متولیان فرهنگی اگر خواهان کارپردی‌تر شدن هر چه بیشتر اقدامات خود هستند بهتر است که از مشورت با اهالی کتاب در حوزه‌های مرتبط با خود غفلت نکنند.

آر توناستی در مورد خود قضاوت درست بکنی؛ معلومه یه فزانه تمام‌عیاری!



آر توناستی در مورد خود قضاوت درست بکنی؛ معلومه یه فزانه تمام‌عیاری!

شازده کوچولو، آنتوان دوست آگژوپی

یادداشت



یادداشت



رقیبه سادات موسوی کارشناس فرهنگی

نقش آفرینی فرهنگی همراه با تبلیغات رسانه‌ای گسترده در یک سال گذشته، زمین بازی کشورهای مختلف منطقه بوده است. شیخ‌نشین‌های امارات نمایشگاه آکسویبی با تبلیغات جهانی برپا کردند؛ کشور قطر میزبان جام جهانی بود و به بهانه جام جهانی همه نیروهایش را در خدمت به نمایش درآوردن تصویر و نمایه جدید خود قرار داد؛ عربستان نیز همه زورش را می‌زند که در چشم‌ترین و مدرن‌ترین کشور منطقه باشد؛ برگزاری جشنواره‌های مختلف فیلم و موسیقی با حضور ستارگان جهانی و منطقه‌ای فیلم و موسیقی مانند جشنواره فیلم دریای سیاه، هم‌زمان با بازی‌های جام جهانی قطر یکی از بندهای ستاریوی عربستان سعودی نوین است. رژیم صهیونیستی جدای از لابی فاعلش علیه ایران، مسیر عادی‌سازی روابط را نرم و در انجام رویدادهای فرهنگی و حضور در رویدادهای دیگر کشورهای عربی تعریف کرده است. حتی کشور عراق نیز سعی کرد در این راهبرد جدید جا نماند و با میزبانی جام فوتبال کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بعد از مدت‌ها از منظر غیر از سیاست و جنگ دیده شد. با وجود کش‌گری‌های مختلف و نبود ایران در این عرصه‌ها و همچنین انتشار گسترده اخبار پربرنده هسته‌های ایران انتظار می‌رود که رسانه‌ها کدام کشور را محل آسایش منطقه معرفی کنند؟!

ایران در ماه‌های اخیر مورد هجمه همه‌جانبه بود و فرهنگ، پاشنه آشیل تمام هجمه‌ها بود و هست. نمادهای فرهنگی عامل هویت ملی و همبستگی ملت‌هاست؛ پرچم، سرود ملی و نقطه عطف‌های تاریخی در این هجمه‌ها نشانه گرفته شدند. رسانه‌های مخالف ایران با همدستی فارسی‌زبانان بر این خلأ سوار شدند و سیاه‌ترین تصویر ممکن در همه‌اخبار را از ایران نشان دادند. این اتفاقات، هم‌زمان با نقش آفرینی بین‌المللی و اتخاذ راهبرد نوین دیگر کشورهای منطقه در ارائه تصویر متفاوت، جدید و روشن از خود شد. پیش از نیز بخش اعظم نیروی ایران به تازگی دردرسر بیماری کرونا را پشت سر گذاشته بودند و بعد از مدت‌ها فصل شکوفایی دیپلماسی گردشگری و نمایش فرهنگی رسیده بود.

از جمله ابزار بی‌اثر کردن جنگ به انزواکشاندن ایران، ابزار دیپلماسی فرهنگی اجتماعی هست. بدین معنا که میدان بازی و نقش آفرینی متفاوت با جریان‌های سعی بر زیرسؤال بردن توانایی‌های ایران دارند، طراحی کرد. در روزهای اخیر شاهد برگزاری نگره بین‌المللی زنان تأثیرگذار، رویدادی بین‌المللی با محوریت زنان بودیم، با همه فرصت‌های رسانه‌ای و پذیرش ضعف اطلاع‌رسانی این رویداد، اما از جهت رفتار کشرگرانه بودنش قابل تأمل و بررسی است. در حالی که با پروپاگانداى مناقبین و سلطنت‌طلب‌ها، همه تحریم‌طلبان و پشتیبانی لابی صهیونیستی، ایران از کمسیون مقام زن سازمان ملل اخراج شد، کشور ایران میزبان زنان فعال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و علمی از بیش از ۹۰ کشور بود. طراحی میدان بازی متفاوت و انجام عمل کشرگرانه، حرکت در مسیر راهبرد جدید منطقه که به‌دنبال پنهان کردن تصاویر سیاسی و نظامی است، می‌تواند بازی جریان‌ها و رسانه‌های مخالف ایران را برهم بزند. در زمانی که بسیاری از گردشگران خارجی بواسطه تبلیغات رسانه‌ای، ایران را از مقاصد خود حذف می‌کنند، برگزاری رویدادهایی که فرصت دیدن ایران متفاوت با تصویر القابی رسانه‌ها را به فعالان فرهنگی و رسانه‌ای دیگر کشورها می‌دهد، راهکار ایجابی در مقابل جنگ منزوی‌سازی ایران است.

عکس نوشت

ارتباط «وینستون‌ون‌گوت» با طبیعت، پیچیده و بیاتگر زندگی و هنرش به شمار می‌آید. این هنرمند هلندی از شلوغی شهر منتفر بود و در حومه شهر به‌دنبال آرامش و منبع الهام می‌گشت. آتفدر که «ون‌گوت» در نامه‌هایی به برادرش «توت» نوشته بود: «اگر عشقی به طبیعت نداشتم، غمگین می‌بودم.» از همین‌رو می‌توان به کمک مناظر و نقاشی‌های الهام‌گرفته از طبیعت، نگاهی اجمالی به حالات و شخصیت کلی وی داشت. ایستا

